
Ananalysis of the issue of interpretation in the architecture of the Subculture

Nikoo Bakhtiari ¹, Vahid Shali Amini* ², Mohammadreza Pourzargar ³

1. PhD student, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

The aim of the current research is to draw a conceptual model of the interpretation process of the architectural buildings of subcultures based on the semiotics of Umberto Eco. The approach of this article is semiotics and defines the concept and process of interpretation based on Umberto Eco's theory of semiotics. The theoretical results of the research example have been obtained by inductive method. The main example that has been studied based on field observations is the residential buildings of the Christian village of Spurghan village in Urmia, which were built at the end of the Qajar period. The analyzes showed that there are three basic principles in the conceptual model of the interpretation process of subculture architecture: first, the geography and history of the region play a fundamental role in how to integrate the architecture of the majority and minority culture; Second, knowing the principles of subculture is only possible based on objective works such as architecture; Thirdly, the process of interpretation in the mentioned buildings is a continuous and corrective process, subcultures become owners of more symbols over time with more works, and the interpretation of their architectural buildings is constantly deepening. Also, the findings showed that in this conceptual model, three issues should be paid attention to: 1- Syntactic and semantic codes formed in subculture architectural buildings are very important in interpretation, so it is necessary to conduct a more serious study on them. 2- Subcultures will be limited both historically and geographically. So it should be known that their codes are understood by a small group of people. 3- The expressive and content forms of the architectural buildings of the subculture gradually leave the consolidated state in the minds of the audience and take on a coherent state. So, examining the method of integration is important only for the study preparations. At the end of the article, a conceptual model for understanding the interpretation process of subculture architectural buildings was drawn and explained with the case study. In order to better

explain the model with the main example of this study, it can be said that Christians have been present as a minority group in Urmia city since the previous centuries. The geographical and historical conditions of this city are such that it is directly adjacent to the western world and is a short distance from the country of Armenia, and this has provided the possibility of cultural exchanges for the Christians of this region more than the Christians of other regions of Iran. This proximity to the Christian lands and being far from the center of Iran is one of the important geographical factors in the way the majority and minority cultures are combined. This geographical location has made it possible to express the minority culture more. Also, the historical record of building a church in this area goes back to the beginning of Christianity. This historical feature also allows the Christian minority culture to emerge more. On the other hand, it is possible to observe the residential houses of Christians in Isfahan, that due to the lack of a long historical background of Christians, and also being far from Christian countries, the architecture of the minority culture had less possibility to emerge. The plan of residential houses in Spurghan village is based on the plan of residential buildings of Christian tribes. Allocating more space to the yard and the presence of a pillared porch in the back of the house are important features of this plan. But the placement pattern of different parts of the house in its roof part is based on Iranian rural architecture. An expert observer can clearly see that the two ciphers are syntactically combined. But in order to be able to understand the new syntax ciphers, he must do two things, first, to study and classify the syntax ciphers of Iranian rural architecture well, and secondly, to determine which parts of the rules of the two ciphers are combined with each other. In this case, it will succeed in understanding the newly created syntactic ciphers.

Keywords: Interpretation, Architectural Semiotics, Umberto Eco, Code, Minority.

*Corresponding author. E-mail: vah.shali_amini@iauctb.ac.ir



واکاوی فرآیند تأویل در معماری خُرده‌فرهنگ از منظر نشانه‌شناسی اومبرتو اکو

نیکو بختیاری^۱، دکتر وحید شالی امینی^{۲*}، دکتر محمدرضا پورزرگر^۳
 ۱. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۳. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰)

چکیده

هدف پژوهش حاضر ترسیم مدل مفهومی فرآیند تأویل بناهای معماری خُرده‌فرهنگ‌ها بر اساس نشانه‌شناسی اومبرتو اکوست. رویکرد مقاله حاضر نشانه‌شناسی است و مفهوم و روند تأویل را بر اساس نظریه نشانه‌شناسی اومبرتو اکو تعریف می‌کند. نتایج نظری از مصداق پژوهش با روش استقرایی به‌دست آمده است. مصداق اصلی که بر اساس مشاهدات میدانی مطالعه شده، بناهای مسکونی روستای مسیحی‌نشین روستای سپورغان ارومیه است که در اواخر دوره قاجار ساخته شده‌اند. تحلیل‌ها نشان دادند سه اصل اساسی در مدل مفهومی فرآیند تأویل معماری خُرده‌فرهنگ وجود دارد: اول، اینکه جغرافیا و تاریخ منطقه نقش اساسی در چگونگی تلفیق معماری فرهنگ اکثریت و اقلیت دارد. دوم، اینکه شناخت اصول خُرده‌فرهنگ تنها بر اساس آثار عینی همانند معماری امکان‌پذیر است. سوم، اینکه روند تأویل در بناهای مذکور یک روند مستمر و اصلاحی است، خُرده‌فرهنگ‌ها در طول زمان با آثار بیشتر، صاحب رمزگان بیشتری می‌شوند و تأویل بناهای معماری آن‌ها به‌صورت دائمی در حال عمیق‌تر شدن است. همچنین یافته‌ها نشان دادند در این مدل مفهومی باید به سه مسئله توجه کرد: ۱- رمزگان نحوی و معنایی شکل‌گرفته در بناهای معماری خُرده‌فرهنگ از اهمیت بسیار زیادی در تأویل برخوردارند، پس ضروری است مطالعه جدی‌تری روی آن‌ها انجام شود. ۲- خُرده‌فرهنگ هم به لحاظ تاریخی هم به لحاظ جغرافیایی محدود خواهد بود. پس باید دانست که رمزگان‌های آن‌ها توسط گروه اندکی از مردم درک می‌شوند. ۳- صورت‌های بیانی و محتوایی بناهای معماری خُرده‌فرهنگ به‌مرور در ذهن مخاطبان از حالت تلفیقی خارج شده و حالت منسجم به خود می‌گیرد. پس بررسی نحوه تلفیق تنها برای مقدمات مطالعه مهم است. در انتهای مقاله یک مدل مفهومی برای درک روند تأویل بناهای معماری خُرده‌فرهنگ ترسیم و با مصداق مورد مطالعه تشریح شد.

واژگان کلیدی

تأویل، نشانه‌شناسی معماری، امبرتو اکو، رمزگان، خُرده‌فرهنگ.

مقدمه

نشانه‌ها منتهی می‌شوند و هر نظریه‌ای تلاش می‌کند نشان دهد که فرآیند ذهنی تأویل چگونه و تحت سیطره چه عامل‌هایی صورت می‌گیرد. طبیعی است پدیده‌های مختلف روند تأویل متفاوتی داشته باشند. یک اثر هنری به مراتب پیچیده‌تر از چراغ قرمز چهارراه فهم می‌شود. هرچه اثر هنری از آثار کلامی فاصله بیشتری داشته باشد، فهم و تأویل آن بیشتر حسی خواهد بود تا عقلانی. هنر معماری به سبب ذات انتزاعی و غیرکلامی‌اش تأویل پیچیده‌تری دارد و در این میان یکی از انواع معماری که تأویل در آن از حالت معمول جدا می‌شود، بناهای معماری خُرده‌فرهنگ‌ها^۱ است. تمایز خُرده‌فرهنگ‌ها با فرهنگ قطعاً باعث می‌شود در فرآیند تأویل بناهای معماری خُرده‌فرهنگ چالش‌هایی به وجود آید. هدف پژوهش حاضر فهم چگونگی تأویل بناهای معماری خُرده‌فرهنگ‌ها از طریق بسط رویکرد نشانه‌شناسی اومبرتو اکو^۲ به این حوزه است.

۱. پرسش‌ها

انواع رمزگان اشاره‌شده در نظریه نشانه‌شناسی اومبرتو اکو درباره معماری خُرده‌فرهنگ چگونه تحلیل می‌شوند؟ صورت‌های بیانی و محتوایی بناهای معماری خُرده‌فرهنگ چه نسبتی به بنیان‌های این نوع از فرهنگ دارند؟

۲. روش پژوهش

رویکرد مقاله حاضر نشانه‌شناسی است و مفهوم و روند تأویل را بر اساس نظریه نشانه‌شناسی اومبرتو اکو تعریف کرده است. بر مبنای این نظریه تأویل را باید ذیل مفاهیمی همانند رمزگان، معنای، صورت‌های محتوایی و بیانی، و نقش نشانه‌ای درک کرد. مصداقی که این نظریه بر اساس آن بازتعریف می‌شود، بناهای مسکونی معماری خُرده‌فرهنگ، به‌ویژه خانه‌های روستای مسیحی‌نشین

تقریباً تمامی تولیدات فرهنگی علاوه‌بر خصایص منحصربه‌فردی که دارند، در یک وجه مشترک‌اند: وجه ارتباطی. ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی تنها برای انتقال اطلاعات نیستند، محصولات فرهنگی گاه برای انتقال یک فضای حسی یا روح هویتی ساخته شده‌اند. برای مثال، ارتباط بناهای مذهبی با مخاطبان بیشتر از اینکه در راستای ارتباط اطلاعاتی باشد، ایجادکننده ارتباطی حسی و روانی است. اما در هر دو گونه، آنچه مهم هست وجود یک محتواست. محتوای اطلاعاتی یا محتوای حسی. برای انتقال محتوای اطلاعاتی به ساختار علمی نیاز است و برای انتقال محتوای حسی به فرم خلاقانه. «ساخت محتوا» هم از طریق واحدهای زبانی میسر است و هم از طریق نشانه‌های دیداری. برای شکل‌گیری محتوا و ارتباط میان فرستنده و گیرنده نیاز به رعایت قوانینی است که چارچوب هم‌نشینی و جان‌نشینی واحدهای هر نظامی را مشخص کرده‌اند. این قوانین یکی از ساخت‌های بنیادین هر فرهنگ جمعی است و مهم‌ترین عامل تمایز یک فرهنگ از سایر فرهنگ‌ها همین قوانینی است که بر اساس آن واحدهای زبانی و بصری سامان داده می‌شوند. بنابراین، اگر بخواهیم در چارچوب یک فرهنگ مشخص محتوا یا معنا تولید کرده و با دیگران ارتباط داشته باشیم، باید به قوانین زبان‌شناسانه و نشانه‌شناختی آن فرهنگ پایبند بمانیم. اما اگر در حاشیه یک فرهنگ جمعی، گروه اندکی از مردم کنش‌های فرهنگی خود را بر اساس قوانین دیگری تنظیم نمایند، به‌صورت خودکار متمایز از اهالی اکثریت و با نام «اقلیت» شناخته خواهند شد. معمولاً اعضای نظام اقلیت با قوانین نظام اکثریت آشنایی کامل دارند اما اعضای گروه اکثریت نسبت به محتوای تولیدشده زبانی یا بصری نظام اقلیت به‌عنوان تولیدات متمایز یا ناشناخته نگاه می‌کنند. در همین تمایز و ابهام است که موضوعی به نام الگوی نشانه‌شناختی مهم می‌شود. در مباحث نشانه‌شناختی همه‌چیز به تأویل^۱

پنهان طرح را تأویل و مکشوف می‌گرداند. در معماری پست‌مدرن اندیشه‌های نهفته در شالوده ساختاری خود می‌کشاند و مخاطب همواره در تلاش است تا معنایی جدید را برای هر متن معماری بسازد. بلوکی و اخوت (۱۳۹۴) مقاله‌ای با عنوان بررسی تطبیقی تشابهات و تمایزات خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان در یزد منتشر کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر فرهنگ دینی به‌عنوان مهم‌ترین عامل، اقلیم و جغرافیا، اقتصاد، مسائل سیاسی و امنیتی نیز در شکل‌گیری ساختار کالبدی خانه‌های سنتی یزد تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین، هرچند در برخی بخش‌های این خانه‌ها تشابه‌هایی دیده می‌شود، ولی تمایزهایی در خانه‌های پیروان این دو دین به چشم می‌خورد که نشانگر تأثیر عمیق اعتقادات، ارزش‌ها و باورهای زرتشتیان و مسلمانان یزد در کالبد خانه‌هایشان است. در مقاله‌ای دیگر معماریان و همکاران (۱۳۸۹) به تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان پرداختند. این پژوهش نشان می‌دهد همجواری زرتشتیان با مسلمان موجب شده است که آن‌ها مذهب خود را با رویکردی اسلامی و ایرانی تفسیر و توجیه کنند و معماری آن‌ها به معماری مسلمانان بسیار شبیه شود. یهودیان نیز به‌عنوان بخشی از مردم ایران، با توجه به اهمیت موضوع امنیت برای آن‌ها، نوعی از معماری را انتخاب کرده‌اند که به این خواسته آن‌ها پاسخ بگوید؛ هرچند زندگی در کنار مسلمانان و پذیرش قواعد عمومی دین حاکم، به زندگی و عقاید آن‌ها تعادل بخشیده و آن‌ها را بخشی از جامعه و ملت ایرانی کرده که باید برای تعالی آن تلاش کنند. پیرامون بناهای معماری اقلیت‌های مذهبی ایران کاراحمدی و همکاران (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان بررسی تطبیقی معماری مدارس آرامنه و میسیونرهای فرانسوی شهر اصفهان در دوره معاصر از منظر تحولات تاریخی و سبکی منتشر کرده‌اند. آن‌ها به نتایج مهمی رسیده‌اند: نتایج حاصل از پژوهش مذکور به دو بخش کلی تقسیم می‌شود. بخش اول، در ارتباط با

سپورغان شهرستان ارومیه است. نتایج نظری از این مصداق عینی با روش استقرایی به‌دست آمده است. مراحل انجام کار به این صورت بوده است: اول، طرح مسئله. دوم، فهم دقیق نظریه نشانه‌شناسی اومبرتو اکو. سوم، شناخت مؤلفه‌های معماری و فرهنگی بناهای خُرده‌فرهنگ ایرانی بر اساس داده‌های میدانی و کتابخانه‌ای. چهارم، درک طبقه‌بندی‌شده از کارکرد نظریه اکو در بستر معماری. پنجم، تعمیم نظام‌مند مفاهیم نظریه اکو بر معماری خُرده‌فرهنگ. ششم، ترسیم مدل مفهومی جهت تحلیل فرآیند تأویل در معماری خُرده‌فرهنگ. لازم به ذکر است داده‌های بناهای معماری مربوط به روستای سپورغان توسط نگارندگان و به‌صورت میدانی به دست آمده است و داده‌های سایر مصداق‌ها با مطالعات کتابخانه‌ای و از نتایج تحقیقات گذشته به‌دست آمده است.

۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات انجام‌شده در حوزه نشانه‌شناسی معماری محدود نیست، اما تقریباً همگی موارد مجموعه‌ای از بناها را از دیدگاه یک نظریه مشخص تحلیل کرده‌اند. در پژوهش دیگری واعظی و همکاران (۱۳۹۷) به ارائه نگرشی نوین در طراحی معماری با رویکرد معناشناسی اومبرتو اکو پرداختند. این پژوهش شامل تحلیل‌های نظری است و در پایان معماری ایران را از دیدگاه اکو بازخوانی کرده است. پناهی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی بنیادین تلاش کرده‌اند مسیری را که ایده‌های معمارانه تا تبدیل شدن به یک مفهوم (کانسپت) مشخص طی می‌کنند به‌صورت نظری و با استفاده از چند مصداق تشریح کنند. در این پژوهش نشانه‌شناسی مهم‌ترین پشتوانه نظری است. دباغ و مختابادامری (۱۳۹۰) به تأویل معماری پست‌مدرن از منظر نشانه‌شناسی پرداخته‌اند. نشانه‌شناسی با دریافت رمزگان زیباشناختی، اجتماعی و فرهنگی هر طرح، مفاهیم مستتر در آن را بازشناخته و ایده‌های برآمده از رمزگان معماری را هدایت کرده و لایه‌های درونی و

۴. مفاهیم تحقیق

در این مطالعه علاوه بر مفاهیمی که در نظریه اومبرتو اکو وجود دارد، سه مفهوم پرکاربرد وجود دارد که به ترتیب تعریف عملیاتی می‌شوند:

فرهنگ اکثریت: در این مطالعه منظور فرهنگی است که در یک جامعه اکثریت مردم را رهبری می‌کند. برای مثال، فرهنگ ایرانی-اسلامی در ایران و فرهنگ غربی-مسیحی در کشورهای اروپایی.

فرهنگ اقلیت: در این مقاله منظور از فرهنگ اقلیت فرهنگی است که در نقطه دیگر جغرافیایی اصالت و سلطه دارد اما در سرزمینی دیگر، فرهنگ اقلیت محسوب می‌شود و به همین دلیل ناچار به پذیرش برخی از اصول فرهنگی اکثریت خواهد بود. برای مثال، فرهنگ مسیحی مسیحیان ایران. این فرهنگ در ایران در اقلیت قرار دارد، اما در غرب در اکثریت است.

خرده‌فرهنگ: خرده‌فرهنگ را شیوه خاص زندگی گروهی از مردم دانست که درون یک فرهنگ بزرگ‌تر قرار دارند. در واقع، خرده‌فرهنگ‌ها مشتمل بر روش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های رفتاری است که درون گروه‌های کوچک از یک جامعه جریان دارد و موجب تفاوت‌های فکری و رفتاری آن‌ها با یکدیگر می‌شود. این گروه کوچک می‌تواند خود در جامعه‌ای دیگر گروه اکثریت باشد (Ranjbar & Sotoudeh 2020). برای مثال، مسیحیانی که در اصفهان زندگی می‌کنند، یک خرده‌فرهنگ محسوب می‌شوند. این خرده‌فرهنگ محصول ادغام فرهنگ اکثریت (فرهنگ ایرانی-اسلامی) و فرهنگ اقلیت (فرهنگ مسیحی) است.

۵. چارچوب نظری

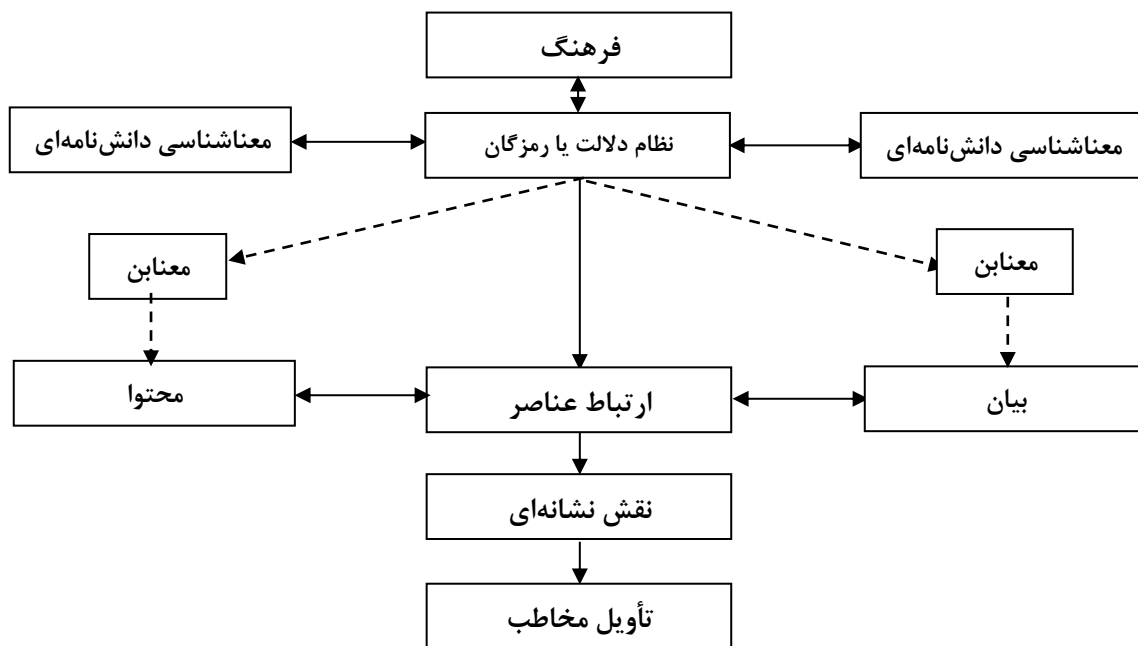
اکو در مورد فرهنگ، دو پیش فرض دارد: الف: کل فرهنگ باید به عنوان یک پدیده نشانه‌شناختی مطالعه شود؛ ب: تمام جنبه‌های یک فرهنگ ممکن است به عنوان محتوای یک فعالیت نشانه‌شناسی مطالعه شود (Karimi et al 2017). بنیان اصلی این مدل رویکرد معناشناختی دانش‌نامه‌ای^۴ به فرآیند دلالت است. این

تحولات تاریخی است که منجر به ایجاد یا احداث مدارس شده است. که خود به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول، عوامل صورت‌گرفته یا اشخاصی که در ایجاد و شکل‌گیری مدارس نوین آرامنه جلفا نقش داشته‌اند که از این میان می‌توان به نقش کلیساها، شکل‌گیری دوره رنسانس در اروپا، ارتباط آرامنه داخل کشور ایران با کشورهای اروپا و شرق آسیا از طریق فعالیت‌های اقتصادی و حمایت مالی آرامنه داخل و خارج کشور اشاره کرد. دسته دوم، عواملی که به ایجاد و احداث مدارس توسط میسیونرهای غربی (فرانسه) مربوط می‌شود که در این میان سیاست دولت فرانسه به‌منظور گسترش نفوذش در ایران از طریق فرهنگی و تبلیغ آموزه‌های دینی از اهم عوامل است. بخش دوم، در ارتباط با سبک‌شناسی معماری مدارس معاصر اقلیت‌های مذهبی در شهر اصفهان است که سبک معماری در این بناها عمدتاً به صورت تلفیقی از معماری کلاسیک سنتی ایران و معماری کلاسیک غربی مشاهده می‌شود.

در تحقیقات ذکر شده پیرامون نشانه‌شناسی معماری دیدیم که چگونه نظریه‌های نشانه‌شناسی را در گروهی از مصادیق معماری تحلیل کرده‌اند. همان‌طور در تحقیقات معماری خرده‌فرهنگ دیدیم که معماری اقلیت با معماری اکثریت چه نسبتی برقرار می‌کند. اما آنچه تاکنون مورد غفلت قرار گرفته است، این پرسش است که آیا می‌توان با مدل‌های نشانه‌شناسی موجود آثار معماری خرده‌فرهنگ را تحلیل کرد؟ آیا تفاوتی که بین یک فرهنگ اصیل و خرده‌فرهنگ وجود دارد، باعث نمی‌شود فرآیند نشانه‌شناختی آثار معماری خرده‌فرهنگ‌ها متحول شود؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا، باید فرآیند خوانش نشانه‌شناختی معماری بر اساس یک چارچوب نظری مشخص کرد و سپس، معین نمود که این مدل در مورد بناهای خرده‌فرهنگ‌ها که محصول تلفیق فرهنگ اکثریت و فرهنگ اقلیت است، چه تفاوتی خواهد کرد و مراحل طراحی کرد که بتوان با آن تأویل آثار معماری خرده‌فرهنگ را مطالعه نمود.

یک نظام محتوایی پیوند برقرار می‌شود و «نقش نشانه‌ای نتیجه این فرآیند ارتباطی است» (Eco 2013, 20). از نظر اکو در نشانه‌شناسی نه از نشانه‌ها بلکه از نقش نشانه‌ای سخن باید گفت. وقتی رمزگان، عناصر نظام انتقال‌دهنده را به عناصر نظام انتقال‌داده‌شده تخصیص می‌دهد، اولی به بیان دومی و دومی به محتوای اولی بدل می‌شوند. نقش نشانه‌ای زمانی پدید می‌آید که بیانی با محتوایی مرتبط می‌شود، و هردو عناصری که به این ترتیب به هم پیوند خورده‌اند. به عبارت ساده‌تر، ما یک واحد زبانی یا بصری داریم. اگر این واحد طبق رمزگان‌های موجود یک فرهنگ به یک محتوای مشخص یا ضمنی دلالت کند، آن واحد زبانی به یک نقش نشانه‌ای بدل خواهد شد، در غیر این صورت در سطح یک سیگنال باقی می‌ماند (Sojoudi 2016, 33-35). نقش نشانه‌ای واحدی است که به‌طور هم‌زمان حاوی صورت محتوایی^۸ و صورت بیانی^۹ است و به‌موجب نوعی بهم‌پیوستگی تحقق یافته است. پس «یک کارکرد مستقیم و یک کارکرد ضمنی برای واحدهای مختلف بر اساس دستور زبان یک فرهنگ بر واحدهای مختلف حمل می‌شود و آن واحدها به نقش نشانه‌ای بدل می‌شوند» (Eco 2005, 175). بر همین مبناست که اکو در پروژه تأویل متن به هیچ‌کس قدرت مطلق نمی‌دهد. نه سازنده، نه متن، نه خواننده، هیچ‌یک تعیین‌کننده اصلی نیست. تأویل، محصول دیالکتیک پیچیده‌ای است که بین خواننده و متن برقرار می‌شود (Danesi 2007, 35) و این دیالکتیک در بستری از رمزگان‌های بی‌شمار صورت می‌گیرد. از منظر اکو دلالت، به‌عنوان رویداد نشانه‌شناختی موجب می‌شود که یک علامت «معنی» چیزی شود. به همین دلیل وجه ارتباطی نشانه تنها با وجود یک رمزگان یا نظام دلالت ممکن می‌شود. بدون رمزگان یا نظام دلالت، هیچ قانونی برای اینکه تعیین کند چگونه صورت بیانی با صورت محتوایی مرتبط باشد وجود ندارد. (شکل ۱).

رویکرد در مقابل معناشناسی فرهنگ‌نامه‌ای^۵ قرار دارد. او عنوان کرد که با تکیه به قواعد و معیارهای معناشناسی دانشنامه‌ای می‌توان دلالت را از انحصار مدلول‌های ایستا، یعنی هرآنچه در فرهنگ‌نامه‌ها در مقابل یک واژه نوشته شده، رها کرد و به عرصه مدلول‌های پویا و فعال برد. اکو تأکید می‌نماید که هدفش از ساخت این اصطلاح جدید بررسی نوعی از معناشناسی است که «با ایده ایستای معنا مراد دارد و به‌دنبال الگویی برای استفاده در تدوین فرهنگ‌نامه‌ها نبوده است» (Bianchi 2009, 18). در بنیان‌گذاری این نوع معناشناسی، باید ویژگی‌هایی را در نظر گرفت که «شرط لازم و کافی برای برقراری تمایزهای معنایی به حساب می‌آیند» (Eco 2014, 3)؛ تمایزهایی که به مفهومی خاص اعتبار بخشیده و آن را از مفاهیم دیگر جدا می‌کنند. برای اکو معنا در الگوی معناشناختی تولید می‌شود. الگویی که در آن «همه تفاسیر گذشته از یک دال ثبت‌شده و از نظر عینسی شبیه کتابخانه‌ای است که نه تنها کتاب‌ها و مکتوبات را در خود جای داده است بلکه شامل تمام اطلاعات غیرکلامی است که به‌نوعی ثبت شده است، از نقاشی‌های صخره‌ای گرفته تا آرشیوهای فیلم» (Eco 1984, 109). به عبارت ساده‌تر در رویکرد دانش‌نامه‌ای یک دال یا بیان بر اساس تمامی دانشی که از حوزه‌های گوناگون در ذهن گیرنده است، به یک مدلول یا محتوای متمایز از دیگران دلالت می‌کند. پس دانش گیرنده است که محتوا را مشخص می‌کند؛ این دانش چیزی نیست جز مجموعه رمزگان‌ها. و فرهنگ هم در نهایت چیزی نیست جز دانش مشترک بین گروهی مشخص از انسان‌ها؛ دانشی که بر اساس آن کنش‌های ارتباطی انجام می‌شود. اکو توضیح می‌دهد که «رمزگان^۶ قاعده‌ای است که عناصر صورت بیانی را با عناصر صوت محتوایی مرتبط می‌کند. رمزگان ابزاری است برای اتصال بیان نشانه‌ها به محتوای آن‌ها» (Eco 1976, 48) در ارتباطی که بین بیان و محتوا به‌واسطه رمزگان برقرار می‌شود، «نقش نشانه‌ای»^۷ آشکار می‌گردد. درحقیقت، میان عنصری از یک نظام بیانی و عنصری از



شکل ۱: الگوی رسیدن به تأویل از منظر اکو

Fig 1: The pattern of reaching interpretation from the perspective of Eco

ترکیب پذیری درونی معماری؛ همانند پلان و نحوه همنشینی اجزای یک بنا که در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. ۳- رمزگان معنایی: نسبت‌های ارتباط‌دهنده بین حامل‌های نشانه‌های معماری و معانی مستقیم و ضمنی آنها (Eco 2005, 185). برای مثال، رمزگانی که باعث می‌شود گنبد به‌صورت ضمنی بر ملکوت دلالت کند. این نوع دلالت کاملاً بر اساس پشتوانه فرهنگی تعیین می‌شود و دقیقاً وجه ارتباطی در همین نوع حادث می‌شود. بنابراین، با توجه به دیدگاه اکو در مورد معماری باید گفت رمزگان‌های فرآیندی و معنایی نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری وجه فرهنگی آثار معماری دارند. این رمزگان با برقراری ارتباط بین صورت بیانی و صورت محتوایی، نقش نشانه‌ای تولید می‌کنند. برای مثال، ارتفاع بلند برخی از بناهای مذهبی به‌عنوان صورت بیانی ایده نزدیک‌شدن به ملکوت و آسمان‌ها به‌عنوان صورت محتوایی هر دو به‌طور هم‌زمان از معنای‌ها سرشار می‌شوند و مخاطب را به یک تأویل می‌رسانند. بدیهی است فعال‌شدن هم‌زمان صورت بیانی و صورت محتوایی درون شبکه معنایی اتفاق می‌افتد نه در قصد و فکر یک هنرمند و معمار. این‌طور نیست که یک معمار اولین بار محراب را ایجاد کند و بعد به مردم معنا و کارکردش را بگوید. صورت محتوایی محراب، هم‌زمان، با صورت بیانی‌اش، یا به عبارت بهتر فرم محراب، هم‌زمان، با عملکردش در شبکه معنایی

برای بسط نظریه اکو در حوزه مطالعاتی معماری آنچه بسیار مهم هست طبقه‌بندی اکو برای رمزگان‌هاست. او به دو گروه کلی از رمزگان‌ها قائل بود: رمزگان ساختاری و رمزگان فرآیندی. رمزگان ساختاری مجموعه‌ای از عناصر را به نظامی معین پیوند می‌زند که اکو به این گروه رمزگان (Code-S) یا رمزگان سیستمی هم می‌گوید. رمزگان فرآیندی شکلی پیچیده از قوانین است که عناصر یک رمزگان سیستمی را به عناصر یک رمزگان سیستمی دیگر پیوند می‌زند (Eco 1976, 36). برای مثال، معماری یک رمزگان سیستمی است اما یک مسجد اسلامی واجد یک رمزگان فرآیندی است که در آن عناصری از سیستم معماری به عناصری از اسلام پیوند زده می‌شود. رمزگان فرآیندی قوانینی است که چگونگی این ارتباط را مشخص می‌کند و همه مساجد اسلامی باید فرم‌های خود را منطبق بر این رمزگان فرآیندی تعیین کنند تا به‌عنوان مسجد اسلامی شناخته شوند و هر خلاقیتی در فرم بناهای معماری نباید به‌طور کامل این رمزگان فرآیندی را نقض کند. پس آنچه در مطالعه فرهنگی معماری اهمیت دارد، رمزگان فرآیندی است. از دیدگاه دیگری اکو رمزگان معماری را در سه گروه معرفی می‌کند: ۱- رمزگان فنی: مقولات و عناصر مربوط به علم مهندسی معماری؛ در این سطح از رمزی‌شدن هیچ‌گونه محتوای ارتباطی برای عناصر وجود ندارد. ۲- رمزگان نحوی: قوانین و قراردادهای

(شکل ۲) توضیح نهایی اینکه هرچند به‌عنوان متغیرهای اصلی مستقل مدنظر پژوهشگر نبود، اما همان‌طور که در بیان مسئله و پرسش‌ها نیز آمد، به‌نظر می‌رسید سردر و تزئیناتش - همانند طول مسیر - حامل پیام کالبدی و معنایی در داخل باشند؛ لذا صرفاً به‌عنوان متغیر مستقل کنترل‌شده، این متغیر نیز در تمامی خانه‌هایی که تصاویر سردرشان موجود بود، بررسی شده و میزان تزئیناتشان از طرف خود نگارنده، به‌صورت داده‌ای ترتیبی از یک (بدون تزئینات) تا سه (با تزئینات زیاد) نمره‌دهی شد تا رابطه میان تزئینات و طول مسیر یا زمان رسیدن نیز بررسی گردد. تعمق بیشتر در خصوص این متغیر، به پژوهش‌های بیشتر و مطالعات آتی نیازمند است.

مشخص و بستر اجتماعی شکل می‌گیرد و معمار تنها اجراکننده چنین قراردادی است. بنابراین، بیان و محتوا در معماری برخاسته از فهم اجتماع از فضا است. اگر فهم انسان از جامعه و هستی تغییر کند، درکش از فضا نیز تغییر می‌کند. این تحول مؤلفه‌های سازنده معنا و روابط آن‌ها را متحول می‌کند و معنای‌های بدیعی ایجاد می‌شوند و خودشان را در صورت‌های بیانی و محتوایی جدیدی فعال می‌کنند. طبیعی است برای خوانش و درک صورت محتوایی مخاطب نیز باید دانشی از مؤلفه‌های معنای جدید داشته باشد. پس این‌طور نیست که یک محتوای مشخص در جست‌وجوی صورت بیانی خود باشد، خود محتوا نیز هم‌زمان با صورت بیانی ایجاد می‌شود.



شکل ۲: روابط انواع رمزگان معماری در نظریه اکو

Fig 2: Relationships of types of architectural codes in eco theory

تلفیقی بودن بناهای معماری خُرده‌فرهنگ‌ها را اثبات کنیم. معماری خُرده‌فرهنگ به گونه‌ای است که در اکثر موارد بخش مهمی از آن تحت تأثیر فرهنگ اکثریت است. اینکه کدام بخش چنین باشد و کدام عناصر معماری با فرهنگ اقلیت ساخته شوند، در سرزمین‌های مختلف متفاوت است. برای مثال، مشاهدات و مطالعاتی که پیرامون خانه‌های روستایی مسیحیان شهرستان ارومیه صورت گرفت، نشان

۶. مصادیق معماری خُرده‌فرهنگ در ایران

دربارۀ معماری خُرده‌فرهنگ، هم به‌صورت میدانی از بناهای مسکونی مسیحیان شهرستان ارومیه داده‌هایی گردآوری شده است، و هم از مطالعات بلوکی و اخوت (۱۳۹۴) و معماریان و همکاران (۱۳۸۹) اطلاعاتی اخذ شده است. این عنوان دو هدف دارد: اول، اینکه مثال‌هایی برای تحلیل‌های بعدی داشته باشیم و دوم، اینکه

داد این بناها تلفیق دو فرهنگ اقلیت (دین مسیحیت و قوم آشوری) و فرهنگ اکثریت (فرهنگ ملی ایران) بوده است. پلان، ایوان، تزئینات، پله‌ها، جهت و ستون‌ها بر اساس فرهنگ اقلیت و سردر، مصالح، الگو و ورودی بر اساس فرهنگ اکثریت بوده است. آنچه در این مورد اهمیت فراوان دارد، این است که فرهنگ اقلیت به شدت خواهان به‌نمایش گذاشتن تفاوت‌های فرهنگی‌اش از طریق بناهای معماری است. و به همین دلیل نمای بیرونی و تزئینات آن نقش اساسی بازی می‌کنند. در خانه‌های زرتشتیان یزد به عنوان

خرده‌فرهنگ، به‌وضوح تلفیق دو فرهنگ اکثریت (ایرانی و اسلامی) و فرهنگ اقلیت (زرتشتی) دیده می‌شود. به دلیل وجود مسائلی مانند احترام به نور، وجود فضای عبادتی مجزا، توجه به پاکی و همانند این‌ها، در معماری این خانه مصادیقی وجود دارد که نشان از تأثیر فرهنگ زرتشتی است: جهت‌گیری به‌سمت نور، پذیرایی مجزا از میهمان، عدم تفکیک اندرونی و بیرونی، نمای فاقد پنجره رو به کوچه، تعرض نکردن به حریم همسایه و حفره بالای سردر (Boluki, Akhovat 2015).

جدول ۱: مشخصات بناهای مسکونی معماری خرده‌فرهنگ‌های مسیحی ارومیه و زرتشتی یزد

Table 1: Specifications of residential buildings of subculture architecture; Urmia Christians and Yazd Zoroastrians

نام	مشخصات بناها	تصویر	توضیح
مسیحیان ارومیه	بناهای مسکونی روستایی مسیحیان شهرستان ارومیه واقع در روستاهای سپورغان و آده. اکثراً مربوط به اواخر دوره قاجار.	  	<p>به‌جز بخش‌های پایینی دیوارها، مصالح اصلی آجر و خشت و چوب است. / فرم کلی سردرها از معماری قاجار و تزئینات از نمادهای مسیحی (صلیب) تأثیر گرفته. / در پلان کلی ایوان‌های ستون‌دار نقش اساسی و محوری دارند. پله‌های حیات جزئی از بنا نیستند و یک عنصر خارجی محسوب می‌شوند. این ایوان‌ها و پله‌ها در خانه‌های روستایی مسیحیان کشور ارمنستان به‌وفور دیده می‌شود. / خانه‌ها هم‌جهت با کلیساهای روستاها ساخته شده‌اند. / اکثر ستون‌ها، شبیه ستون کلیساها، یونیک هستند. / خانه‌ها به وضوح تلفیقی از فرهنگ‌های ایرانی و مسیحی هستند.</p>
زرتشتیان یزد	این خانه‌ها در شهرستان یزد هستند و با این نام‌ها شناخته می‌شوند: خانه مهربانو؛ خانه کیخسرو؛ خانه بهمردی؛ خانه ارمزدی؛ خانه وفاداری.	 	<p>دین زرتشت آموزه‌های صریحی درباره معماری خانه دارد. به همین دلیل عناصر بیشتری از خانه تحت تأثیر فرهنگ زرتشتی است. نمای بیرونی بدون پنجره است. الگوی چهارصفه بر اساس دستورالعمل دینی. فضای عبادی مجزا. استفاده از نماد سرو، حفره بالای در، عرض زیاد راهروها. پلان در الگوی مسکن زرتشتی، کوچک و دارای تنوع فضایی کم و به‌تبعیت از بُعد خانوار و خانواده هسته‌ای کوچک است. در پلان خانه‌های چهارصفه‌ای زرتشتیان ابتدا حیاط مربع‌شکلی طراحی و به‌دنبال آن صفه‌ها با نسبت عرض به عمق ثابت، مستقر شده و در گام بعدی اتاق‌های مربع‌شکل در فضای بین صفه‌ها جایگزین شده و طنبی به طول کلی بنا، پلان را بسته است.</p>

۷. نشانه‌شناسی اکو و معماری خُرده‌فرهنگ

برای تشریح تأویل معماری خُرده‌فرهنگ در بستر نشانه‌شناسی اومبرتو اکو مفاهیمی که در شکل ۱ و ۲ آمده‌اند، به ترتیب در بستر یک جامعه اقلیت یا خُرده‌فرهنگ بررسی می‌شوند:

۱- **رمزگان:** برای تحلیل دقیق‌تر باید بر اساس طبقه‌بندی رمزگان اکو عمل کرد: رمزگان ساختاری در بناهای معماری خُرده‌فرهنگ تفاوت چندانی با بناهای معمول نخواهد داشت. چون مربوط به قواعد ذاتی معماری است. آنچه در این برهه اهمیت دارد، رمزگان فرآیندی است. یعنی مجموعه‌ای از قواعد که قرار است رمزگان سیستمی معماری را به رمزگان سیستمی دیگری پیوند دهد. این رمزگان سیستمی دیگر در حالت معمول فرهنگی مشخص و معین و اصیل است. اما زمانی که یک مسیحی در ایران بنا می‌سازد، رمزگان فرآیندی حاکم قصد ندارد

تمامی عناصر سیستم معماری را به اصول مسیحیان پیوند زند. بلکه عناصر سیستم، اول به صورت هم‌زمان به دو رمزگان سیستمی یعنی فرهنگ اکثریت و اقلیت مرتبط می‌شود. و همین پیوند دوگانه و توأمان است که به صورت عینی خُرده‌فرهنگ را عینی می‌کند. در واقع، دو رمزگان فرآیندی در قالب یک بنا کار می‌کنند تا نهایتاً به معنایی جدید و بدیع برسند که نه به صورت کامل به فرهنگ اکثریت تعلق دارد و نه فرهنگ اقلیت بلکه خُرده‌فرهنگ را نمایش می‌دهد. برای مثال، طاق‌های خانه‌های سپورغان به فرهنگ اکثریت مرتبط است و نقش صلیب بر سردر به فرهنگ اقلیت. وقتی این بنا توسط مخاطبی آگاه به رمزگان‌ها مشاهده می‌شود، خُرده‌فرهنگ برای او عینی می‌شود. به همین دلیل است که مفهوم خُرده‌فرهنگ با «تلفیق» گره خورده است.



شکل ۳: تحلیل رمزگان‌ها در معماری خُرده‌فرهنگ

Fig 3: Analysis of Codes in subculture architecture

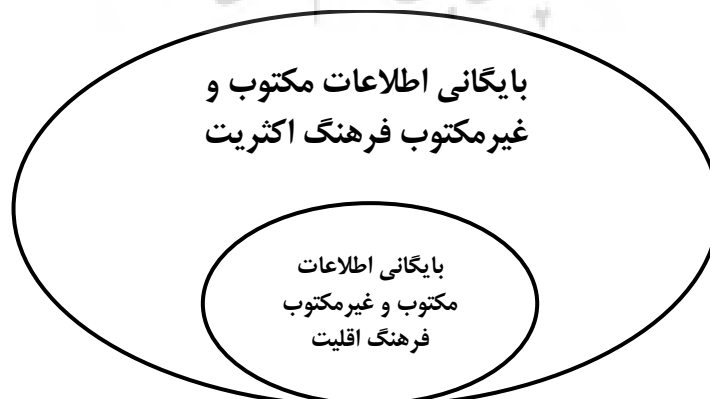
تمایزش را نشان دهد. اما باید توجه کرد که این مورد برای مردم چندان محسوس نیست و بیشتر مورد توجه مهندسان و معماران خواهد بود. به عنوان نمونه خانه‌های مسکونی مسیحیان روستای سپورغان به لحاظ رمزگان نحوی از فرهنگ اقوام مسیحی تبعیت می‌کند. اما چندان

همانطور که در شکل ۳ دیده می‌شود در زمینه رمزگان فنی، حرفی برای زدن نیست. اما رمزگان نحوی و معنایی از اهمیت برخوردارند. رمزگان نحوی که قواعد هم‌نشینی اجزای معماری است، می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف تمایز داشته باشد و از همین طریق خُرده‌فرهنگ بتواند

بروز پیدا کرده است. تزئیناتی از نمادهای دین مسیحیت و همین‌طور هم‌جهت‌بودن خانه‌ها با کلیسای روستا.

۲- **دانش‌نامه:** دانش‌نامه‌ای که از بطن آن رمزگان و معنای‌های معماری خُرده‌فرهنگ رشد می‌کند، یک دانش‌نامه تلفیقی است که از عین به ذهن می‌رسد. ابتدای امر هیچ کس نسبت به این دانش‌نامه آگاهی ندارد. یعنی در ذهن هیچ فردی این تلفیق صورت نگرفته است. اما پس از اینکه در اولین نمونه‌ها این تلفیق به صورت عینی دیده شد، ذهن مخاطب متوجه می‌شود که باید کدام بخش از دانش فرهنگ اکثریت را با کدام بخش دانش فرهنگ اقلیت تلفیق کند. با هر تلفیق عینی که در آثار معماری خُرده‌فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد، شکل کلی تلفیق این دو فرهنگ بیشتر مشخص می‌شود. یعنی نکته مهم در بحث دانش‌نامه خُرده‌فرهنگ‌ها فهم چگونگی تلفیق دانش دو فرهنگ است. چراکه با انواع مختلفی از تلفیق می‌توان به خُرده‌فرهنگ‌های متفاوتی رسید (شکل ۴). برای مثال، در خانه‌های سپورغان وقتی مخاطب سردر ورودی را می‌بیند که شکل کلی آن بر اساس فرهنگ ایرانی و تزئینات آن بر اساس فرهنگ مسیحی انجام شده است، دانش مربوط به دلایل فرهنگی سردرهای دوره قاجار را با دانش نمادهایی همانند صلیب تلفیق می‌کند. هرچه بناهای معماری خُرده‌فرهنگ بیشتر شود، دانش‌نامه خُرده‌فرهنگ نیز بیشتر معین و تثبیت می‌شود.

برای مردم محسوس نیست. در مقابل، خانه‌های مسکونی مسیحیان اصفهان از رمزگان نحوی فرهنگ ایرانی تبعیت می‌کنند. اما در رمزگان معنایی که به دلالت‌های مستقیم و ضمنی اشاره دارد، سهم فرهنگ اقلیت بسیار است. در این سطح است که علامت صلیب یک دلالت ضمنی بر فرهنگ اقلیت خواهد داشت. اساساً در همین ساحت است که فرهنگ اقلیت خود را به وضوح نشان می‌دهد و مخاطبی که از اصول این فرهنگ مطلع نباشد، توان درک بناهای معماری خُرده‌فرهنگ را نخواهد داشت. بناهای معماری خُرده‌فرهنگ در بستر دو نظام دلالتی تأویل می‌شود. نظام دلالتی فرهنگ اکثریت و نظام دلالتی فرهنگ اقلیت. مناره مسجدی در اروپا هم توسط رمزگان معنایی مسلمانان معنا می‌شود و هم توسط رمزگان معنایی مسیحیان. مناره در نگاه مخاطب اروپایی و در رمزگان معنایی وی، جایی است برای به‌صدا درآمدن ناقوس. اما در رمزگان معنایی یک مسلمان جایی است برای اعلان زمان نماز. پس، از همین ابتدای امر می‌توان یک دوگانگی را دید که در بناهای معمول وجود نداشت. ثنویت مذکور به مرور جای خود را در چنین جوامعی به یک نظام دلالتی جدید می‌دهد که بنیان خُرده‌فرهنگ را می‌سازد. این فرآیند تدریجی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری خُرده‌فرهنگ است. شناخت این نظام دلالت اولین قدم برای فهم روش تولید نشانه و تأویل در فرهنگ‌های اقلیت است. رمزگان معنایی در خانه‌های سپورغان در تزئینات و جهت خانه‌ها

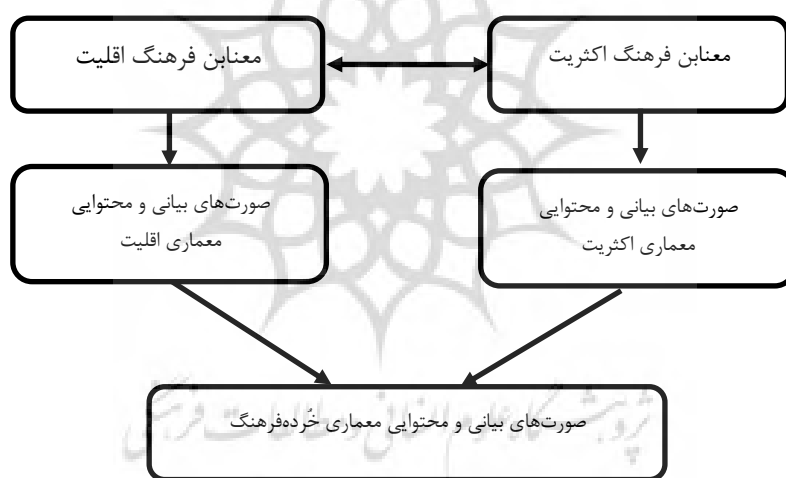


شکل ۴: کارکرد دانش‌نامه‌ها در معماری خُرده‌فرهنگ

Fig 4: The function of encyclopedias in subculture architecture

منحصر به فرد یک خُرده‌فرهنگ در صورت‌های بیانی و محتوایی مختص خود آشکار شوند. در معماری خُرده‌فرهنگ، بر اساس شرایط جغرافیایی و تاریخی و در ناخودآگاه جمعی مردم منطقه، بخش‌هایی از صورت‌های بیانی و محتوایی معماری اکثریت و اقلیت با یکدیگر تلفیق می‌شوند و سپس با مطالعه این امر عینی به معناب‌های انتزاعی و مفهومی می‌رسیم (شکل ۵). برای مثال، در معماری خانه‌های سپورغان صورت بیانی سردر ورودی با صورت بیانی تزئینات مسیحی چنان تلفیق شده‌اند که یک صورت بیانی منسجم ایجاد کرده‌اند. در این مطالعه دو موضوع بسیار مهم است: اول، معناب‌هایی که در صورت‌های بیانی و محتوایی معماری اکثریت و اقلیت آشکار شده‌اند. دوم، نحوه این معناب‌ها در صورت‌های بیانی و محتوایی معماری خُرده‌فرهنگ.

صورت بیانی و صورت محتوایی: همان‌طور که گفته شد معناب‌ها به صورت هم‌زمان در صورت‌های بیانی و محتوایی فعال می‌شوند و از همین رو با برقراری ارتباط میان این دو صورت، نقش نشانه‌ای تولید می‌شود. این نقش نشانه‌ای در ذهن مخاطبی تولید می‌شود که توان فهم معناب‌ها و رمزگان را دارد. در واقع، این رمزگان و معناب‌ها هستند که در صورت‌های بیانی و محتوایی درک می‌شوند. برای مثال، ایده دنیای ملکوت، به صورت هم‌زمان در صورت بیانی و صورت محتوایی گنبد فعال می‌شود و در ذهن کسی که با رمزگان سیستمی و فرآیندی معماری، عرفان اسلامی و معماری اسلامی آشنا باشد، نقش نشانه‌ای تولید می‌شود. در معماری خُرده‌فرهنگ پیشاپیش با صورت‌های بیانی و محتوایی دو فرهنگ اکثریت و اقلیت روبه‌رویم. یعنی اینجا قرار نیست رمزگان‌ها و معناب‌های



شکل ۵: بیان و محتوا در معماری خُرده‌فرهنگ

Fig 5: Expression and content in subculture architecture

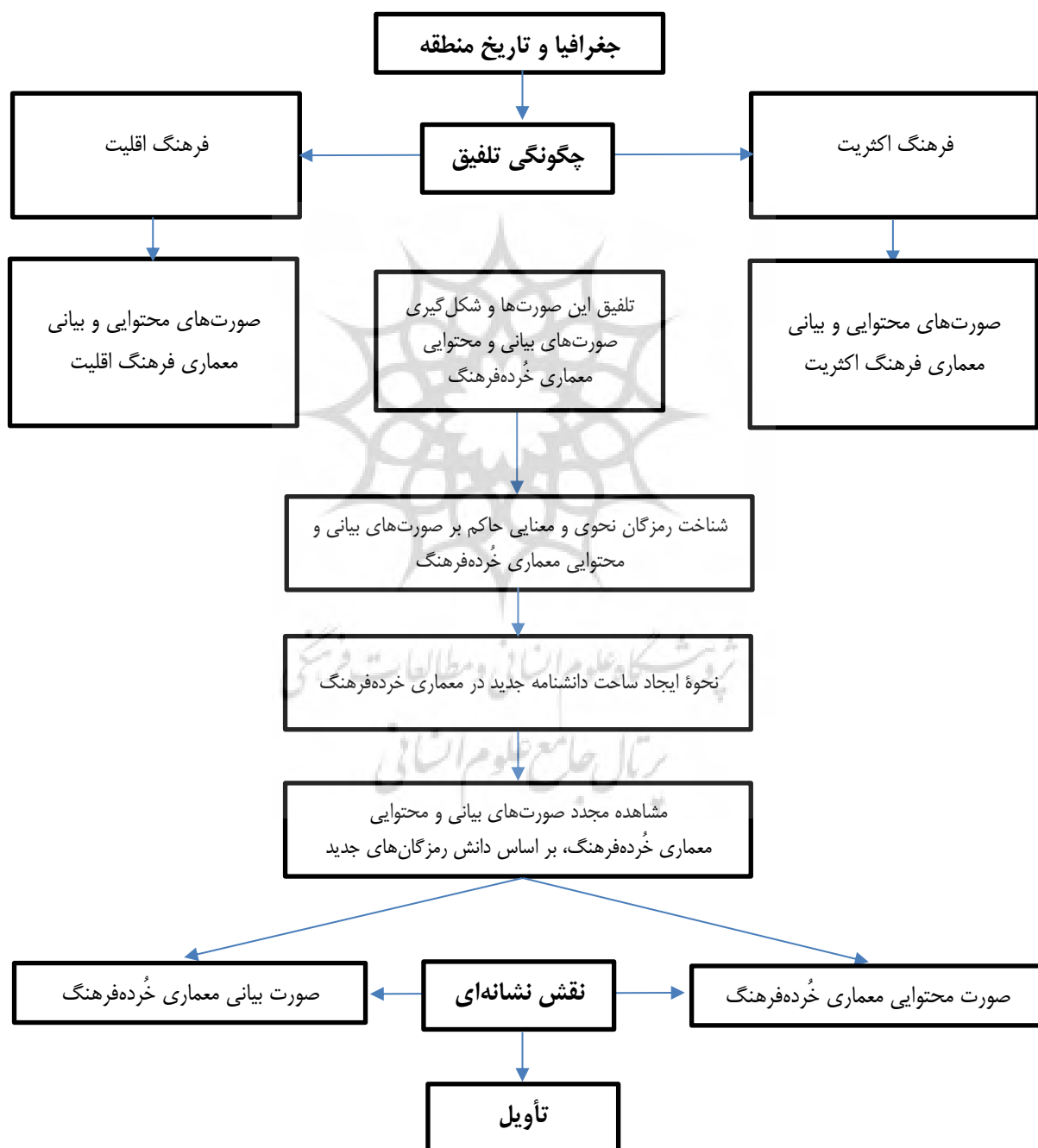
نتیجه‌گیری

هایی در ذهن مخاطب دلالت کند، در خُرده‌فرهنگ پشتوانه تاریخی ندارد و به همین دلیل جز برای جمعیت اندک خُرده‌فرهنگ، مبهم و گنگ خواهد بود و تنها با مطالعات تاریخی و فرهنگ شفاف خواهد شد. درحالی‌که در بناهای معمول همانند کلیساهای اروپا، تقریباً همه مردم مسیحی جهان دانش لازم را دارند. سوم، شناخت اصول و معیارهای

تأویل بناهای معماری در خُرده‌فرهنگ به سه دلیل با تأویل بناهای معمول متفاوت است: اول، در رمزگان فرآیندی عناصر رمزگان سیستمی اول به رمزگان سیستمی ناشناس پیوند زده می‌شود. این ناشناس بودن شکل‌گیری تأویل را به تأخیر می‌اندازد و به همین دلیل این امکان را می‌یابد که ظاهری خلاقانه به خود بگیرد. دوم، دانشی که بر اساس آن دال‌ها به مدلول

آثارشان هیچ نمی‌دانیم. تمام دانش ما درباره آن‌ها محدود به بررسی همین آثار عینی است. در واقع، تلفیقی که بین فرهنگ اکثریت و اقلیت صورت می‌گیرد، در ناخودآگاه جمعی منطقه انجام می‌شود. در این ناخودآگاه جغرافیا و تاریخ نقش اساسی بازی می‌کنند. از همین روست که دو فرهنگ ثابت در شرایط جغرافیایی متفاوت، خُرده‌فرهنگ‌های متمایز ایجاد می‌کنند.

خُرده‌فرهنگ بر اساس صورت‌های بیانی و محتوایی است. تأویل در معماری خُرده‌فرهنگ، برخلاف معماری فرهنگ‌های تک‌بُعدی یک فرآیند دوسویه دارد. در معماری خُرده‌فرهنگ، هم باید از پیشینه دو فرهنگ اکثریت و اقلیت آگاه بود و هم اینکه با دیدن صورت‌های بیانی و محتوایی به عقب بازگشت و بر اساس همین صورت‌ها رمزگان و معنابن‌ها را تکوین کرد. ما از خُرده‌فرهنگ مسیحیان اصفهان یا آذربایجان بدون دیدن



شکل ۶: مدل مفهومی تأویل معماری خُرده‌فرهنگ بر مبنای نظریه اومبرتو اکو

Fig 6: Conceptual model of interpretation of subculture architecture based on Umberto Eco's theory

همان‌طور که در شکل ۶ مشخص است تأویل در مواجهه با بناهای معماری خُرده‌فرهنگ ابتدا با تأویل‌های پیشینی که از صورت‌های بیانی فرهنگ اکثریت و اقلیت وجود دارد، آغاز می‌شود و طی یک روند دو سویه به تأویلی جدید می‌رسد. هر بنایی توانسته باشد تلفیق جدیدی بین صورت‌های بیانی و محتوایی معماری فرهنگ اکثریت و اقلیت ایجاد کند، باعث می‌شود این روند از نو تکرار شود و رمزگان نحوی و معنایی خُرده‌فرهنگ گسترده‌تر شود.

برای تشریح بهتر مدل با مصداق اصلی این مطالعه می‌توان گفت مسیحیان به‌عنوان گروه اقلیت در شهرستان ارومیه از سده‌های قبل حضور دارند. شرایط جغرافیایی و تاریخی این شهرستان به گونه‌ای است که بی‌واسطه با دنیای غرب همسایه است و فاصله کمی با کشور ارمنستان دارد و همین امکان مبادلات فرهنگی را برای مسیحیان این منطقه بیشتر از مسیحیان سایر مناطق ایران مهیا کرده است. این نزدیکی به سرزمین‌های مسیحی‌نشین و دوربودن از مرکز ایران یکی از عامل‌های مهم جغرافیایی در نحوه تلفیق فرهنگ اکثریت و اقلیت است. این موقعیت جغرافیایی باعث شده است امکان تجلی فرهنگ اقلیت بیشتر شود. همین‌طور، سابقه تاریخی احداث کلیسا در این منطقه به صدر مسیحیت بازمی‌گردد. این ویژگی تاریخی نیز به فرهنگ اقلیت

مسیحی امکان ظهور بیشتری می‌دهد. در مقابل، می‌توان خانه‌های مسکونی مسیحیان اصفهان را ملاحظه کرد که به واسطه نداشتن عقبه تاریخی طولانی مسیحیان، و همین‌طور دوربودن از کشورهای مسیحی‌نشین، معماری فرهنگ اقلیت امکان ظهور کمتری داشته است. پلان خانه‌های مسکونی روستای سپورغان بر اساس پلان بناهای مسکونی اقوام مسیحی است. اختصاص دادن فضای بیشتر به حیاط و وجود ایوان ستون‌دار در نمای پشتی خانه از خصوصیات مهم این پلان است. اما الگوی قرارگیری بخش‌های مختلف خانه در قسمت مسقف آن، بر اساس معماری روستایی ایرانی انجام شده است. یک مشاهده‌گر متخصص به‌خوبی متوجه می‌شود که دو رمزگان نحوی با یکدیگر تلفیق شده‌اند. اما او برای اینکه بتواند رمزگان نحوی جدید را درک کند، باید دو کار انجام دهد، اول رمزگان نحوی معماری روستایی ایرانی را به‌خوبی مطالعه و طبقه‌بندی کند و دوم اینکه مشخص کند کدام بخش از قواعد دو رمزگان با یکدیگر تلفیق شده‌اند. در این حالت موفق خواهد شد رمزگان نحوی جدید ایجاد شده را فهم کند. تا در مرحله بعد بر اساس همین رمزگان نحوی جدید به مشاهده و مطالعه بناهای معماری خُرده‌فرهنگ بپردازد و نقش نشانه‌ای تولید شود.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Interpretation
- 2- Subculture
- 3- Umberto Eco
- 4- Encyclopedic semantics
- 5- Dictionary semantics
- 6- Code
- 7- Sign-function
- 8- Content
- 9- Expression

فهرست منابع

- اکو، اومبرتو، ۱۳۹۳. *نشانه‌شناسی*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.
- بلوکی، سجاد، و اخوت، هانیه. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی تشابهات و تمایزات خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان در یزد. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۶(۲۲): ۵۱-۶۶.
- پناهی، سیامک، و هاشم‌پور، رحیم، و اسلامی، غلامرضا. ۱۳۹۳. معماری اندیشه، از ایده تا کانسپت. *هویت شهر*، ۸(۱۷): ۲۵-۳۴.

- حسینی، کیانوش، و نوروز برازجانی، ویدا. ۱۳۹۷. الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه امروز، نمونه موردی: خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران. *باغ نظر*، ۱۵(۶۳): ۲۹-۴۰.
- دباغ، امیرمسعود، و مختاباد امری، مصطفی. ۱۳۹۰. تأویل معماری پسامدرن از منظر نشانه‌شناسی. *هویت شهر*، ۵(۹): ۵۹-۷۲.
- زراعت‌پیشه، محسن، حسینی، سارا. ۱۳۹۱. جایگاه معماری اقلیت در جریان‌ات نوین معماری جهان و ایران، همایش ملی صدسال معماری و شهرسازی معاصر ایران، کرج.
- زمانی، هاجر. ۱۳۸۷. تأثیرپذیری تزئینات کلیساهای اصفهان از معماری دوره صفوی. *مطالعات هنر اسلامی*، ۵(۸): ۶۹-۸۶.
- سجودی، فرزانه. ۱۳۹۵. *نشانه‌شناسی: نظریه و عمل (مجموعه مقالات)*، تهران: علم.
- سرمستانی، محمد، و فروتن، منوچهر، و طهوری، نیر. ۱۳۹۷. آفرینش شاعرانه در فضای شهری: واکاوی نشانه‌شناختی فضای شهری باغ بلند شیراز. *هویت شهر*، ۱۲(۳۴): ۶۷-۷۸.
- کاراحمدی، مهران، و کیانی، مصطفی، و قاسمی سیجانی، مریم. ۱۳۹۷. بررسی تطبیقی معماری مدارس آرامنه و میسیونرهای فرانسوی شهر اصفهان در دوره معاصر از منظر تحولات تاریخی و سبکی. *مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و بافت‌های تاریخی فرهنگی)*، ۸(۱۵): ۱۳۷-۱۵۴.
- کریمی، لیلا، و گلفام، ارسلان، و عامری، حیات. ۱۳۹۶. عوامل نشانه‌شناختی مؤثر بر کیفیت فن بیان در زبان فارسی: تحلیلی شنونده‌محور. *جستارهای زبانی*، ۸(۴۹): ۷۱-۹۵.
- معماریان، غلامحسین، و هاشمی طفرالجردی، مجید، و کمالی‌پور، حسام. ۱۳۸۹. تأثیر فرهنگ دینی بر شکل‌گیری خانه، مقایسه تطبیقی خانه در محله مسلمانان، زرتشتیان و یهودیان کرمان. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۳(۲۱۰): ۱-۲۵.
- واعظی، محمدرضا، و عزیزی، شادی، و موسوی، حمیدرضا. ۱۳۹۷. ارائه نگرشی نوین در طراحی معماری با رویکرد معناشناسی آمبرتو اکو. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*، ۱۰(۴): ۲۵۱-۲۶۵.
- ستوده، هدایت‌الله، رنجبر محمود، ۱۳۹۹. *انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی (مردم‌شناسی) با تأکید بر فرهنگ مردم ایران*. تهران: ندای آریانا

منابع انگلیسی

- Bianchi, Cinzia. & Gieri, Michel. 2009. *Eco's semiotic theory*. In P. Bondanella (Ed.), *New Essays on Umberto Eco* (pp. 17-33). Cambridge: Cambridge University Press.
- Blouki, Sajjad. Akhovat, Haniyeh. 2014. A comparative study of similarities and differences between Muslim and Zoroastrian houses in Yazd. *Iranian Islamic City Studies*, 6(22): 51-66. [In Persian]
- Dabbagh, Amir Masoud., Mokhtabadamrii, Mustafa. 2018. Interpretation of postmodern architecture from the perspective of semiotics. *City Identity*, 5(9): 59-72. [In Persian]
- Danesi, Marcel. 2007. *The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice*. Toronto: University of Toronto Press.
- Eco, Umberto, 2013. *Semiotics*, translated by Pirouz Izadi, Tehran: third edition. [In Persian]
- Eco, Umberto. 1976. *A theory of semiotics*. Bloomington: Indiana University Press.
- Eco, Umberto. 1981. The Theory of signs and the Role of the Reader. *The bulletin of the Modern Language Association*, 14 (1): 35-45
- Eco, Umberto. 1987. *How an Exposition Exposes Itself? Travels in Hyperreality*. Trans William Weaver. London: Pan Books, 296-9.
- Eco, Umberto. 2005. *Function and the sign the semiotics of architecture in Rethinking Architecture*. Taylor
- Hasani, Kianoush. Nowrozbrazjani, Vida. 2017. A new pattern of shape grammar in today's house architecture, case example: Qajar houses in Tabriz and Tehran. *Bagh Nazar*, 15(63): 29-40. [In Persian]
- Kara-Ahmadi, Mehran. Kayani, Mustafa. Ghasemi Sichani, Maryam. 2017. A comparative study of the architecture of Armenian schools and French missionaries in the city of Isfahan in the contemporary period from the perspective of historical and stylistic developments. *Restoration and architecture of Iran (restoration of historical and cultural works and textures)*, 8(15): 137-154. [In Persian]
- Karimi, Leila, Gulfam, Arslan, Ameri, Hayat. 2016. Semiotic factors affecting the quality of expression In Persian language: a listener-centered analysis. *Linguistic essays*, 8(4 (39)): 71-95. [In Persian]
- Memarian, Gholamhossein. Hashemi Taghraljardi, Majid. Kamalipour, Hossam. 1389. The effect of religious culture on the formation of the house, a comparative comparison of the house in the Muslim, Zoroastrian and Jewish neighborhood of Kerman. *Cultural Research of Iran*, 3(2 (10)): 1-25. [In Persian]

- Panahi, Siamak. Hashempour, Rahim. Eslami, Gholamreza. 2013. Architecture of thought, from idea to concept. *City identity*, 8 (17): 25-34. [In Persian]
- Sarmestani, Mohammad. Foroutan, Manouchehr. and Tahouri, Nair. 2017. Poetic creation in the urban space: semiotic analysis of the urban space of Bagh Boland, Shiraz. *City Identity*, 12(34): 67-78. [In Persian]
- Sojudi, Farzan. 2015. *Semiotics: theory and practice* (collection of articles), Tehran: Alam. [In Persian]
- Vaezi, Mohammadreza, Azizi, Shadi. and Mousavi, Hamidreza. 2017. Presenting a new perspective in architectural design with Umberto Eco's semantics approach. *New Attitudes in Human Geography (Human Geography)*, 10(4): 251-265. [In Persian]
- Zamani, Hajar. 2008. The influence of Isfahan church decorations on Safavid period architecture. *Islamic Art Studies*, 5(8): 69-86. [In Persian]
- ZeraatPisheh, Mohsen, Hosseini, Sara. 2013, the position of minority architecture in the modern architectural trends of the world and Iran, *national conference of 100 years of architecture and contemporary urban planning of Iran*, Karaj. [In Persian]

